



ماهیت قراردادهای بیع متقابل ایران

۲۰۰۰ در کنفرانس «قراردادهای مشارکت در تولید/قراردادهای دولت میزبان» که توسط IBC برگزار شد، به شرح ذیل ارائه نمود.

دکتر ادوارد جانتوفسکی مدیر بازرگانی شرکت لاسمو (در منطقه خاورمیانه و دریای خزر) مقاله‌ای را تحت عنوان ماهیت قراردادهای بیع متقابل ایران، در تاریخ ۱۱ آوریل

تعدادی از شرکت‌های بین‌المللی از جمله لاسمو، وارد جریان مناقصه پروژه‌های قراردادهای پیشنهادی بیع متقابل از سوی ایران شدند و به رقابت با یکدیگر پرداختند. البته، نوع قراردادهای این پروژه‌ها براساس مدل قرارداد و فرمولی است که NIOC آن را تنظیم نموده و به آن «قرارداد خدماتی» اطلاق می‌شود، لیکن کاربرد عبارت «قرارداد بیع متقابل» برای این نوع قرارداد رایج‌تر می‌باشد. از زمان اعلان دومین دور مناقصه قراردادهای بیع متقابل ایران، شرکت‌های علاقه‌مند همچنان در حال گفتگو با NIOC برای دستیابی به یک طرح جامع توسعه (MDP) هستند که مبنای مناقصات فنی این پروژه‌ها قرار می‌گیرد. این بحث و مذاکرات تقریباً رو به پایان بوده و برای تعیین شرکت‌های بین‌المللی که در این قراردادها «بیمانکار» نامیده می‌شوند، مذاکرات درباره شرایط نهایی قراردادهای بیع متقابل با

شرکت ملی نفت ایران (NIOC) است، اشاره خواهد گردید. گفتنی است که این بحث‌ها با NIOC دربرگیرنده برنامه‌های توسعه میدان نفتی در خشکی و دریا و نیز اکتشاف مناطقی در آبهای دریای خزر بوده است.

زمینه دومین دور قراردادهای بیع متقابل در ایران

در ماه ژوئیه ۱۹۹۸، NIOC دومین دور پروژه‌های قرارداد بیع متقابل خود را اعلام کرده شامل:

- پروژه‌های توسعه مجدد ۹ میدان دریایی؛
- پروژه‌های توسعه مجدد ۱۲ میدان در مناطق خشکی؛
- ۱۷ پروژه اکتشافی که ۶ مورد آن در خارج از حوزه‌های نفتی اثبات شده در مناطق خلیج فارس و زاگرس می‌باشد؛ و
- ۳ پروژه در پالایشگاه آبادان.

در کنفرانسی که موضوع اصلی آن مزایای قراردادهای مشارکت در تولید است، بحث درباره قراردادهای بیع متقابل ایران کاری دشوار است. بدیهی است که قرارداد بیع متقابل ایران با قرارداد مشارکت در تولید یکسان نیست و در این مقاله سعی من بر آن نخواهد بود تا محاسن یا معایب قراردادهای بیع متقابل را نسبت به قراردادهای مشارکت در تولید مورد بحث قرار دهم. اما در این مقاله به شرح نسبتاً مفصل نحوه عملکرد قراردادهای بیع متقابل از منظر یک شرکت نفتی بین‌المللی خواهیم پرداخت. علاوه بر آن، سعی شده است تا برخی از تفاوت‌های عمده بین این دو نوع قرارداد مشخص گردد، تا مخاطبان خود به برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی در این زمینه نایل آیند.

در این مقاله به دانش و تجارب شرکت لاسمو در رابطه با قراردادهای بیع متقابل ایران که حاصل دو سال بحث‌های طولانی و مفصل با

NIOC در جریان است. البته، تعدادی از پروژه‌های بیع متقابل توسط NIOC واگذار شده‌اند و واگذاری تعدادی دیگر نیز قریب‌الوقوع می‌باشد.

شرایط کلی قراردادهای بیع متقابل

همان گونه که قبلاً اشاره شد، دومین دور قراردادهای بیع متقابل در سال ۱۹۹۸ مطرح گردید و طی مذاکرات به عمل آمده بین هر پیمانکار و NIOC، این قراردادها مورد حک و اصلاح واقع شد. قرارداد بیع متقابل که از سوی NIOC به شرکت لاسمو (دسامبر ۱۹۹۹) پیشنهاد شده است، مدل و فرمول جدیدتری می‌باشد که محتویات آن محرمانه است. لذا مطالبی که ارائه خواهم نمود، برخاسته از محتویات مدل قرارداد ارائه شده در سال ۱۹۹۸ می‌باشد.

شرح کامل وظایف پیمانکار در MDP که به قرارداد بیع متقابل پیوست می‌باشد، منظور شده است. در این قرارداد، دوره زمانی - از تاریخ قطعی قرارداد تا پایان زمان پیمان - «فاز سوم» نامیده می‌شود. فاز توسعه پروژه، هنگامی پایان می‌یابد که کلیه عملیات توسعه توسط پیمانکار و براساس مفاد قرارداد بیع متقابل تکمیل شده باشد و کلیه چاه‌ها و تجهیزاتی که در MDP مورد اشاره واقع شده است، مراحل نصب، اجرا و راه‌اندازی و آزمایش را طی کرده و تحویل NIOC شده باشند. طی عملیات توسعه، پیمانکار به عنوان مجری طرح در میدان ذی‌ربط و تحت کنترل و هدایت یک کمیته مدیریتی مشترک که تعداد اعضای آن به طور مساوی از سوی پیمانکار و NIOC انتخاب شده باشند، عمل می‌کند. طی این دوره زمانی، پیمانکار تأمین کننده کلیه هزینه‌های سرمایه‌ای و غیر سرمایه‌ای و کلیه هزینه‌های عملیاتی در جریان اجرای عملیات توسعه (هزینه‌های نفتی) می‌باشد. هزینه‌های غیر سرمایه‌ای در چارچوب قرارداد بیع متقابل، شامل کلیه هزینه‌های غیر مستقیم پرداخت شده توسط پیمانکار در اجرای عملیات توسعه است. این هزینه‌ها صرفاً شامل مالیات‌ها، هزینه‌های تأمین اجتماعی، هزینه‌ها و عوارض گمرکی ایران و همچنین هزینه آموزش کارکنان ایرانی می‌باشد.

پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات توسعه، امور مربوط به تولیدات میدان مجدداً به NIOC منتقل می‌گردد. بدیهی است در این مرحله که NIOC به عنوان اداره کننده امور میدان عمل

می‌کند، کلیه هزینه‌های عملیاتی میدان را نیز متقبل می‌شود و طی این دوره، پیمانکار تنها در منافع مالی میدان ذی‌ربط تا پایان قرارداد بیع متقابل سهیم است و حقوقی که به وی تعلق می‌گیرد از این قرار است:

- ۱- کلیه هزینه‌های نفتی به علاوه بهره‌های ذی‌ربط به نرخ LIBOR به علاوه یک سود مطلوب؛
- ۲- دستمزد (حق الزحمه) اجرای عملیات توسعه).

بازپرداخت هزینه‌های نفتی و دستمزد به پیمانکار، طی سال‌های دوره معین مستهلک‌سازی بدهی صورت می‌گیرد. این پرداخت‌ها به صورت حق امتیاز برداشت پیمانکار از نفت خام یا گاز تولید شده ناشی از عملیات توسعه می‌باشد. این حق پیمانکار در قالب یک قرارداد فروش نفت خام یا گاز به شخص یا اشخاص ثالث، براساس طرحی که به قرارداد بیع متقابل منضم شده، فروخته می‌شود و بدین ترتیب، معادل این درآمد حاصل از فروش نفت خام یا گاز به گروه‌های ثالث از میزان بدهی NIOC به پیمانکار کاسته می‌شود. نکات مهم در قرارداد بیع متقابل از این قرارند:

- حیطه فعالیت براساس شرح مفصلی است که در MDP ذکر شده و سقف هزینه‌های سرمایه‌ای برای این حیطه فعالیت.
- بازپرداخت کارمزد به پیمانکار باید در سطحی باشد که نرخ بازگشت سود توافق شده در رابطه با سرمایه‌گذاری، که در MDP لحاظ شده است، تأمین نماید. در قراردادهایی (بیع متقابل) که تاکنون به امضا رسیده، این نرخ بین ۱۳/۵ تا ۱۹ درصد بوده است.
- میزان درصد تولید که از ناحیه آن بازپرداخت‌های هزینه و دستمزد صورت می‌گیرد.

● دوره زمانی مستهلک شدن بدهی که طی آن هزینه‌های نفتی و دستمزد صورت می‌گیرد.

- سود مختصری علاوه بر نرخ LIBOR به منظور بازپرداخت هزینه‌های مالی و با توجه به هزینه‌های نفتی پرداخت نشده.
- رضایت ایران از حسن انجام پروژه ذی‌ربط.

درآمد پیمانکار در قرارداد بیع متقابل

طی دوره عملیات توسعه، پیمانکار کلیه

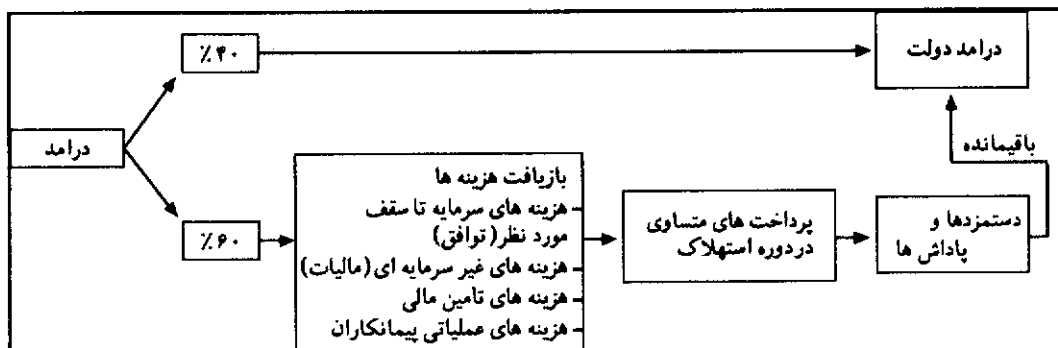
هزینه‌های نفتی را متقبل می‌شود که این هزینه‌ها شامل مخارجی است که توسط پیمانکار برای اجرای عملیات توسعه لحاظ شده در قرارداد بیع متقابل پرداخت می‌گردد. این مخارج، شامل هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های غیر سرمایه‌ای، هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های مالی متعلقه می‌باشد. از ابتدای تولید، پیمانکار اقدام به برداشت نفت و گاز و جبران کلیه هزینه‌های نفتی که تا این تاریخ جهت استهلاک قسط‌بندی شده می‌نماید. هرگونه هزینه‌ای که از زمان اولین جریان تولید انجام شود، طی باقیمانده دوره استهلاک بدهی‌ها به پیمانکار بازپرداخت می‌شود. علاوه بر آن، دستمزد دوره زمانی استهلاک، از ابتدای تولید به پیمانکار پرداخت خواهد شد.

البته باید توجه داشت که کل درآمد پیمانکار از محل قرارداد بیع متقابل، نباید از ۶۰ درصد کل درآمد عملیات تولید میدان و یا پروژه در حال توسعه فراتر رود (نمودار ۱) و الباقی آن درآمد به NIOC تعلق خواهد داشت. هرگونه هزینه‌های نفتی و یا دستمزد پرداخت نشده به پیمانکار در زمان مقرر، می‌تواند به عنوان مطالبات معوقه در مقاطع زمانی بعدی، هنگامی که درآمدی موجود باشد، بازپرداخت گردد.

براساس قرارداد بیع متقابل درآمد پیمانکار از ناحیه یک پروژه معمولی در مناطق خشکی در نمودار ۲ مشخص گردیده است. یکی از خصوصیات قراردادهای بیع متقابل، کوتاهی دوره زمانی آنهاست که با احتساب یک دوره معمولاً ۳ ساله برای انجام عملیات ساختمانی و احداث تأسیسات در مجموع، بین ۸ تا ۱۰ سال می‌باشد. در حالی که دوره کامل عمر میدان‌های واقع شده در خشکی، حداقل ۴۰ سال است که به مراتب طولانی‌تر از دوره زمانی حضور پیمانکار در پروژه مربوطه می‌باشد.

غالباً این گونه تصور می‌شود که نرخ سود قراردادهای بیع متقابل ثابت است. در حالی که لزوماً این طور نیست، زیرا بازپرداخت کارمزد به پیمانکار به منظور حفظ یک نرخ ثابت سود به طور دائم تنظیم نمی‌شود. بلکه کلیه بازپرداخت‌ها براساس شرایط پولی روز محاسبه می‌شوند، لیکن دستمزد در هنگام امضای قرارداد تعیین می‌شود و صرفاً در صورتی که میزان کار و عملیات توافق شده در MDP افزایش یا کاهش

نمودار ۱. درآمد پیمانکار در قرارداد بیع متقابل



باید، میزان دستمزد مزبور به طور صعودی و یا نزولی تنظیم می‌گردد. با وجود آنکه پیمانکار می‌تواند همیشه انتظار دریافت کلیه هزینه‌های نفتی و دستمزد توافق شده را داشته باشد، اما نرخ سودی که به پیمانکار تعلق می‌گیرد، ثابت نمی‌باشد.

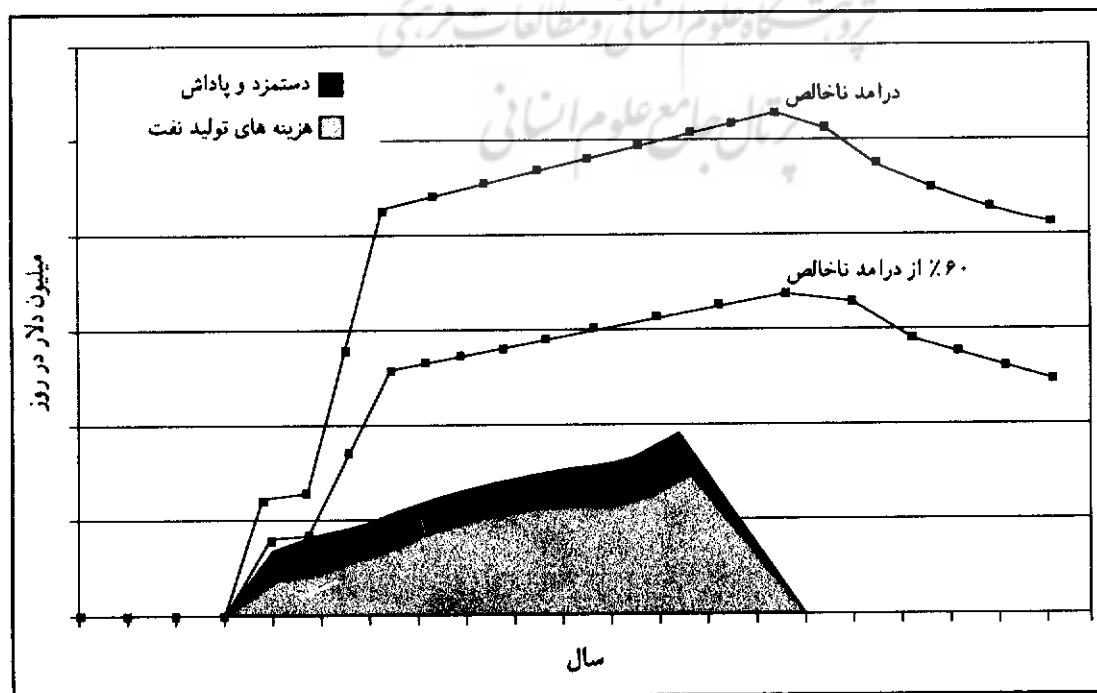
عدم تاثیر قیمت نفت بر روی میزان سود پروژه در نمودار ۵ نشان داده شده است. میزان دستمزد و بازپرداخت هزینه‌ها، هیچ گونه ارتباطی به قیمت نفت خام ندارد و تنها زمانی تأثیر خود را نشان می‌دهد که میزان درآمد پیمانکار از ناحیه تولیدات پروژه ذی ربط به قدری پایین باشد که موجب تجدید پرداخت‌ها به پیمانکار گردد. در این شرایط، پیمانکار همچنان به حق و حقوق خود در زمینه هزینه‌های نفتی و دستمزد براساس شرایط پولی روز می‌رسد، لیکن تأخیر در بازپرداخت‌ها، میزان سود را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در مثالی که در این نمودار ارائه شده است، فرض بر این است که پایه قیمت نفت خام برای هر بشکه نفت خام برنت مدت دار به طور ثابت ۱۵ دلار باشد و البته مختصر تغییری نیز در قیمت به دلیل کیفیت نفت وجود خواهد داشت. تنها در صورتی که طی کل دوره

هم مقرون به صرفه تلقی می‌گردد. اما چنانچه هزینه‌های سرمایه‌ای از سقف تعیین شده پایین‌تر باشند، کلیه هزینه‌ها به پیمانکار بازپرداخت می‌شود. لیکن از آنجایی که میزان کارمزد کاهش نمی‌یابد، نرخ واقعی بازگشت سود همان‌گونه که در نمودار مشخص شده است، افزایش می‌یابد. این امر موجب می‌گردد تا پیمانکار با برخورداری از یک انگیزه جدی، اقدام به کاهش هزینه‌ها نماید و در واقع این اقدام هم به نفع پیمانکار و هم به نفع NIOC است. بازتاب تأخیر در برنامه زمان‌بندی شده، بسیار واضح و صریح است و مسئولیت آن به طور کامل متوجه پیمانکار می‌باشد (نمودار ۴). لذا تأخیرهایی که در پروژه پدید می‌آید، منجر به تأخیر در بازپرداخت دستمزد می‌گردد که آن نیز مستقیماً بر روی نرخ بازگشت سود تأثیر می‌گذارد.

مخاطراتی که پیمانکار با آن مواجه است

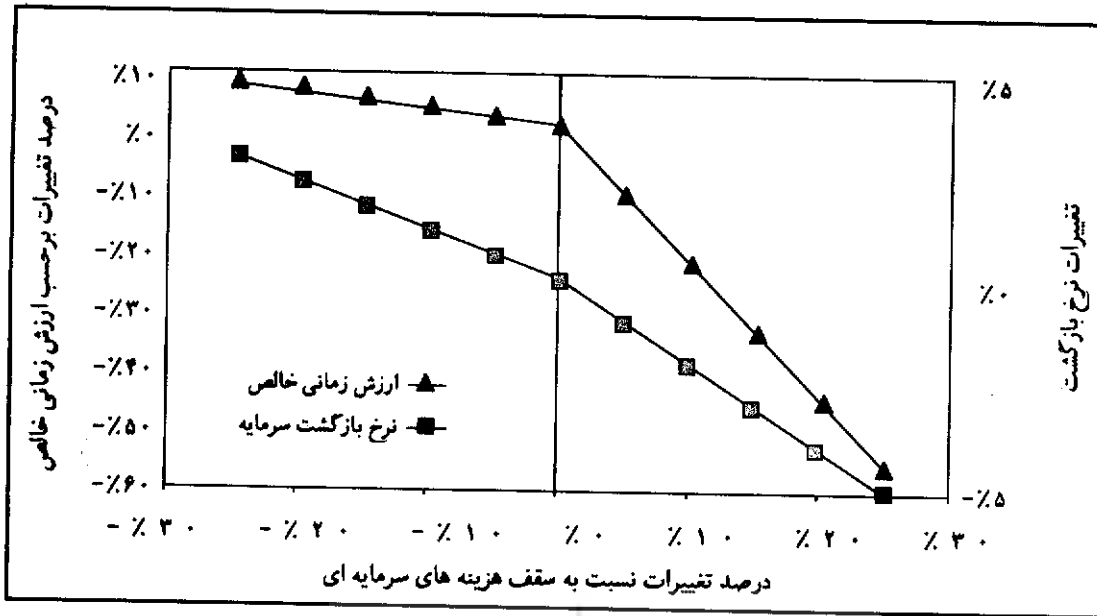
معمولاً قرارداد بیع متقابل به نحوی تنظیم می‌شود که پیمانکار پاسخگویی خطرات هزینه‌های صرف شده و برنامه زمان‌بندی باشد، لیکن هیچ گونه خطری به لحاظ کاهش قیمت‌های نفت متوجه وی نخواهد بود. در نمودار ۳، بازتاب مخاطرات ناشی از هزینه‌ها برای یک نوع پروژه نشان داده شده است. میزان دستمزد براساس سقف هزینه‌های سرمایه‌ای، بیانگر نرخ نهایی سود پیمانکار می‌باشد. اما مسئولیت هرگونه هزینه‌های سرمایه‌ای جهت تأمین اهداف لحاظ شده در NDP که بیشتر از سقف تعیین شده باشد، متوجه پیمانکار بوده و غیر قابل جبران و بازپرداخت می‌باشد، مگر آنکه چنین تغییراتی قبلاً مورد توافق پیمانکار و کارفرما (NIOC) قرار گرفته باشد. از طرفی، با

نمودار ۲. نمونه‌ای از درآمد نوعی پیمانکار در قرارداد بیع متقابل



توجه به اینکه میزان کارمزد ثابت است، نرخ سود پیمانکار همان گونه که در نمودار نشان داده شده است، به تدریج کاهش می‌یابد. باید توجه داشت که این پروژه‌ها به لحاظ تجاری بسیار باصرفه می‌باشند، زیرا اگر هزینه‌های سرمایه‌ای از سقف تعیین شده به میزان ۲۵ درصد فراتر رفته و موجب گردد تا نرخ بازگشت سود حداکثر به ۱۰ درصد (سود اسمی) برسد که معادل میانگین هزینه‌های سرمایه‌ای بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی می‌باشد، باز

نمودار ۳. حساسیت هزینه سرمایه‌گذاری در قرارداد بیع متقابل

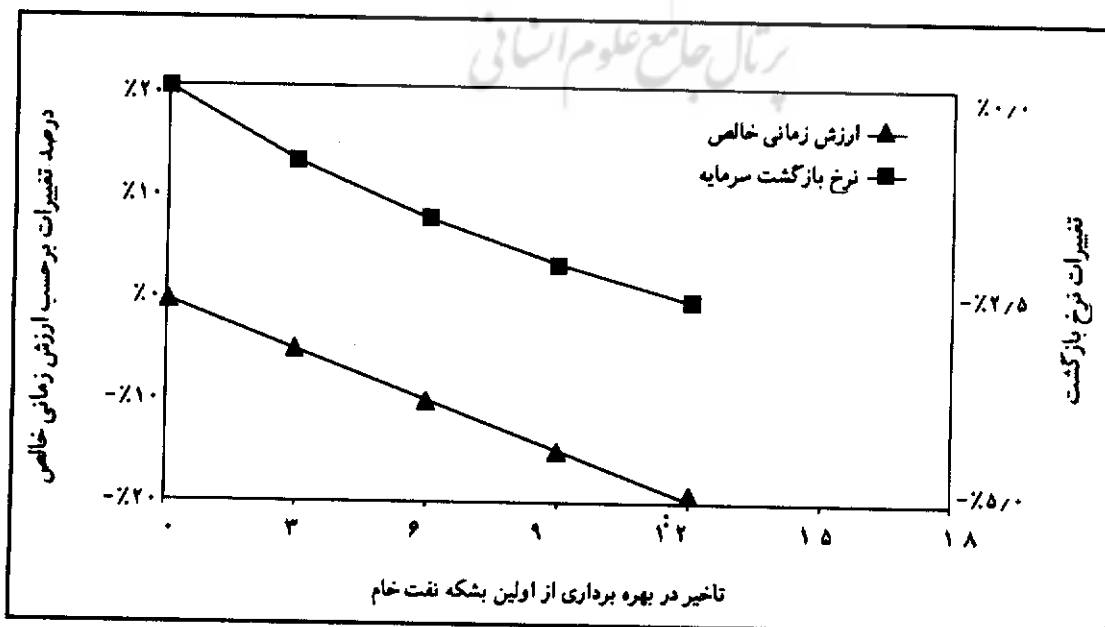


نشود، خسارت بسیار ناچیزی متوجه وی می‌شود. نمودار ۶، نشانگر تأثیرات کاهش ۳۰ درصدی در تولید، بر روی درآمد پیمانکار می‌باشد. اما در مورد پروژه‌های کوچک، پروژه‌هایی که در دست ارزیابی است، پروژه‌هایی که واحد هزینه‌های آنها بالا می‌باشد و نفت خام تولید شده از نوع سنگین بوده و به ناچار با تخفیف‌های قابل توجه عرضه می‌گردد، پیمانکار نسبت به شرایط ذخایر نفتی ذی‌ربط آسیب‌پذیر می‌گردد. لذا، انتخاب دقیق میدانی که قرار است توسعه یابد، می‌تواند به میزان قابل توجهی

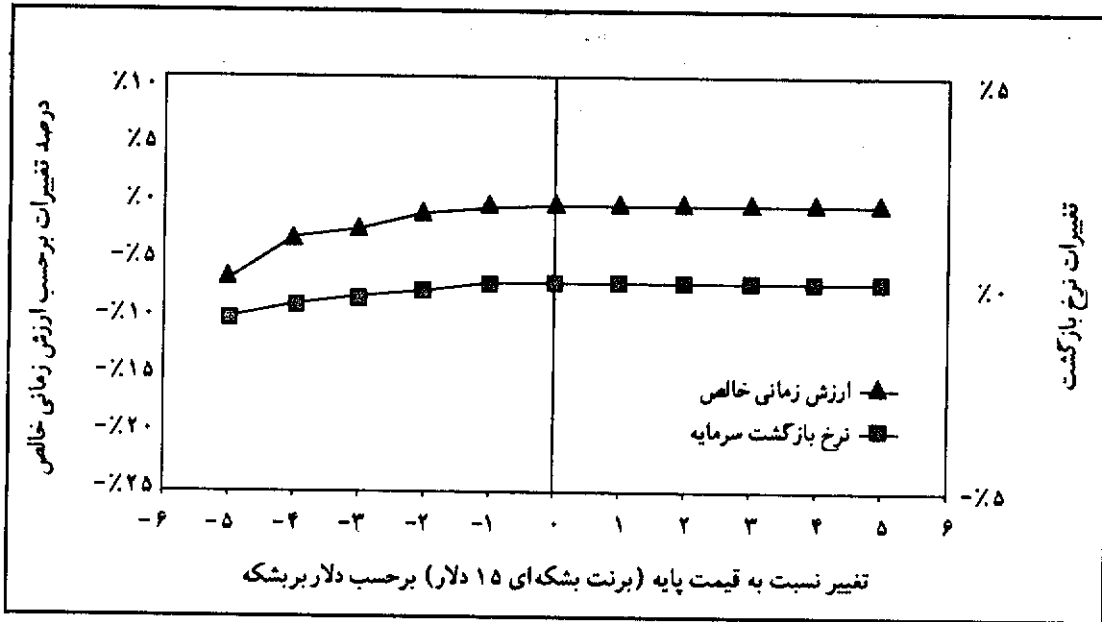
پیمانکار به همان اندازه که نسبت به کل میزان تولید میدان ذی‌ربط حساس است، نسبت به قیمت‌های نفت نیز به همین اندازه حساس می‌باشد. عدم تولید کافی منجر به کاهش میزان درآمد پیمانکار می‌گردد و به همین ترتیب قیمت‌های پایین‌تر نفت نیز چنین پیامدی را دربر خواهد داشت. در مواردی که پیمانکار به توسعه میداین بزرگ با ذخایر غنی و متوسط و با هزینه تولید ناچیز و تحت مدل و فرمول جاری قراردادهای بیع متقابل مشغول است، در صورتی که از میدان ذی‌ربط، معادل میزان

پروژه، قیمت‌ها به حدود ۱۰ دلار در هر بشکه تنزل یابد، تأثیر قابل توجهی بر روی میزان واقعی سود پیمانکار خواهد گذاشت. اما چنانچه، قیمت‌ها فراتر از ۱۵ دلار در هر بشکه برسد، هیچ‌گونه تأثیری بر میزان سود پیمانکار نخواهد گذاشت. اما در مورد پروژه‌های کوچکتر که متوسط هزینه توسعه آنها به مراتب بیشتر از دیگر پروژه‌هاست، درآمدی که نصیب پیمانکار می‌شود ممکن است چنان تحت تأثیر کاهش قیمت‌های نفت قرار گیرد که کاهش شدید میزان واقعی سود پیمانکار را به همراه داشته باشد.

نمودار ۴. حساسیت تأخیر در قرارداد بیع متقابل



نمودار ۵. حساسیت قیمت نفت در قرارداد بیع متقابل



تجزیه و تحلیل آن می‌باشد. البته در این مورد یک اصل کلی وجود دارد که براساس آن، سهم کمتر دولت با احتمال پایین بودن میزان هیدروکربن موجود ربط دارد، در عین حال عکس این امر نیز صادق است. به هر حال، هرچند که سهم دولت در یک قرارداد بیع متقابل ممکن است بالا باشد، لیکن این مسئله همچنان شرکت‌ها را برای برنده شدن در مناقصه‌های ذی‌ربط از رقابت با یکدیگر منصرف ساخته است. چرا که پروژه‌های توسعه میادین که توسط NIOC پیشنهاد شده‌اند، بسیار جذاب

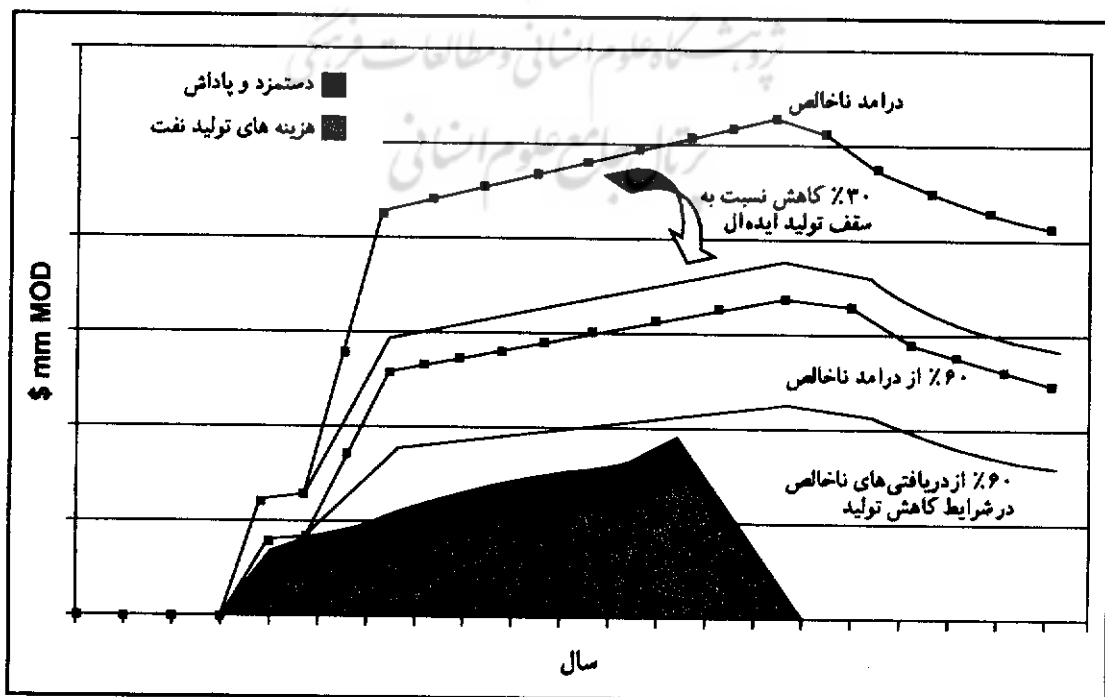
وجه قابل مقایسه در این زمینه نمی‌باشد. اما سهم دولت طی عمر قرارداد بیع متقابل، بسیار پایین‌تر بوده (۷۸ درصد) و لذا، رقابت‌پذیری آن را به شدت افزایش می‌دهد. یک مقایسه بین قراردادهای بیع متقابل و تلفیقی از دیگر قراردادهای بین‌المللی - از جمله قراردادهای مشارکت در تولید - نشان می‌دهد که قراردادهای بیع متقابل، در زمره بالاترین تأمین‌کنندگان میزان سهم دولت می‌باشد. عمده‌ترین نقطه ضعف چنین مقایسه‌ای، لحاظ نشدن میزان احتمالی هیدروکربن موجود در

از آسیب‌پذیری پیمانکار در مورد خطرات ناشی از ذخایر بکاهد. به همین دلایل است که شرکت لاسمو، اقدام به انتخاب پروژه‌هایی عظیم با هزینه‌های ناچیزی نموده است تا خطرات مزبور را به حداقل برساند.

سهم دولت

میزان سهم دولت از درآمدهای پروژه تحت قرارداد بیع متقابل، براساس کل عمر میدان ذی‌ربط، فوق‌العاده بالا و بیش از ۹۰ درصد می‌باشد. در حالی که دیگر انواع قرارداد، به هیچ

نمودار ۶. تأثیر تولید بر روی درآمد پیمانکار در قرارداد بیع متقابل



بوده و فرصتی قابل توجه برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی به حساب می‌آیند.

دیگر خصوصیات قراردادهای بیع متقابل

تاکنون قراردادهای اجرای بیع متقابل برای پروژه‌های دریایی که تا زمان شروع اولین جریان تولید، سرمایه‌گذاری عموماً در آنها انجام می‌شود، به کار گرفته شده است. در این حالت، تجهیزات نصب شده و چاه‌ها را می‌توان طی مدت کوتاهی به NIOC برای اداره عملیات تولید واگذار نمود و از آن به بعد، طی مدت بسیار کوتاهی، میزان تولید به نقطه اوج خود می‌رسد. اما شرایط در مورد پروژه‌های مربوط به میادین خشکی به این سادگی نیست و بهترین روش برای توسعه آنها به صورت مرحله‌ای است. قراردادهای فعلی بیع متقابل به لحاظ شرایط و فرمول به کار رفته در آنها، به گونه‌ای هستند که با پروژه‌های مرحله‌بندی شده که ممکن است در آنها بیش از یک مرحله زمانی، عملیات توسعه موجود باشد به خوبی تطابق نداشته باشد. ضمن آنکه، میزان دقیق عملیات برای مرحله دوم چنین پروژه‌هایی، ممکن است در هنگام امضای قرارداد بیع متقابل به قدر کافی مشخص نباشد، تا براساس آن پیمانکار برای کل پروژه بتواند خود را نسبت به یک سقف کلی هزینه‌های سرمایه‌ای متعهد سازد. لذا، قبل از آنکه بتوان پروژه‌هایی را در خصوص میادین خشکی واگذار نمود، ضرورتاً بیع متقابل می‌کنند که برای تطبیق با توسعه مرحله‌ای، در نوع فعلی قراردادها بیع متقابل اصلاحات لازم صورت پذیرد.

علاوه بر آن، در آینده‌ای نزدیک باید قراردادهای اکتشافی جدیدی برای برخی از مناطق مانند دریای خزر تنظیم شوند، زیرا ساختار جاری قرارداد بیع متقابل به نحوی نیست که عملیات و امور اکتشاف را که در آن، جزئیات توسعه آبی میدان ذی‌ربط مشخص نیست دربرگیرد. لذا در قرارداد بیع متقابل، باید اصلاحات بیشتری صورت پذیرد تا پیمانکار بتواند به برنامه‌های اکتشافی خود بپردازد. شاید در سال آینده در یک چنین زمانی، شرکت لاسمو و شرکایش شل و «ویا» بتوانند درباره ماهیت چنین قراردادی در خصوص فعالیت‌های اکتشافی خود در دریای خزر، گزارشی ارائه نمایند.

وجوه تمایز بین یک قرارداد بیع متقابل و یک قرارداد مشارکت در تولید

از جمله تفاوت‌هایی که می‌توان بین قرارداد بیع متقابل و قرارداد مشارکت در تولید ذکر نمود، موارد ذیل هستند:

● دوره زمانی قرارداد بیع متقابل بسیار کوتاه (۸-۱۰ سال) و به مراحل، بسیار کوتاه‌تر از طول عمر میدان ذی‌ربط می‌باشد، لذا تطبیق منافع پیمانکار و NIOC در چارچوب چنین قراردادهایی دشوار است.

● گرچه قرارداد بیع متقابل قراردادی است که میزان سود در آن به طور مؤثر ثابت است، اما انگیزه‌ای در پیمانکار ایجاد نمی‌کند تا اقدام به افزایش بازیافت پروژه به نفع خود و نیز NIOC بنماید.

● شرایط مندرج در قرارداد ممکن است از انعطاف لازم برخوردار نباشد، از این رو در مواجهه با شرایط غیر منتظره، مشکلاتی به وجود خواهد آمد.

● پس از آن که پیمانکار کلیه هزینه‌ها و دستمزدهایش جبران می‌گردد، به مشکلاتی که NIOC ممکن است در مراحل بعدی پروژه (هنگامی که خود زمام امور را به دست می‌گیرد) با آن مواجه شود، توجهی ننماید.

● پیمانکار طی عملیات توسعه، صرفاً به عنوان مجری میدان نفتی فعالیت می‌کند.

● انگیزه انتقال تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی تنها در صورتی وجود خواهد داشت که پیمانکار مطمئن باشد که قراردادهای بیع متقابل دیگری نیز با وی امضا خواهد گردید.

قراردادهای بیع متقابل که تا به امروز واگذار شده‌اند

با وجود ضعف‌هایی که در قراردادهای بیع متقابل وجود دارد، لیکن همچنان رقابت قابل توجهی برای برنده شدن در مناقصه‌های مربوط به این قبیل پروژه‌ها مشاهده می‌شود، زیرا بسیاری از شرکت‌های نفتی بین‌المللی بر این باورند که هر چند قراردادهای موجود عالی و کامل نیستند، اما می‌توان آنها را به نحو مطلوبی تنظیم نمود. شرکت‌های بسیار مهم بین‌المللی نفت همچنان در صدد دست یافتن به چنین فرصت‌ها و پروژه‌هایی هستند، زیرا این گونه پروژه‌ها، همیشه به شرکت‌های بین‌المللی پیشنهاد نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

دور دوم عرضه قراردادهای بیع متقابل که در سال ۱۹۹۸ آغاز گردید، توجه بسیاری از برجسته‌ترین شرکت‌های بین‌المللی نفت را به خود معطوف داشته است. NIOC، پروژه‌های ذی‌ربط را تحت نوعی از قرارداد که به طور معمول آن را قراردادهای بیع متقابل می‌نامند، عرضه کرده است. این قرارداد به هیچ وجه یک

قرارداد مشارکت در تولید نیست و به بهترین وجهی که می‌توان آن را تعریف نمود، این است که قراردادی با قیمت ثابت و یا قراردادی خدماتی با میزان ثابت سود است. این نوع قرارداد ایجاب می‌کند که پیمانکار کلیه عملیات توسعه را به عهده گرفته و کلیه هزینه‌های سرمایه‌ای را نیز تأمین نماید. پس از تکمیل مرحله توسعه میدان، امور پروژه به NIOC منتقل می‌گردد و از آن پس، امور تولید به عهده مالک است. در ازای این امر، پرداخت‌هایی که به پیمانکار صورت می‌گیرد به صورت نفت خام بوده که از ناحیه همان پروژه تأمین می‌شود. بدین ترتیب، کلیه هزینه‌های نفتی به علاوه هزینه‌های مالی و دستمزدی ثابت به پیمانکار پرداخت می‌گردد. از زمانی که کلیه هزینه‌های نفتی (تا سقف تعیین شده) و دستمزد کار به پیمانکار پرداخت می‌شود، پیمانکار دیگر هیچگونه دخالتی در امور پروژه ذی‌ربط نخواهد یافت.

قراردادهای بیع متقابل به دلیل کوتاهی دوره زمانی آنها، با معضلاتی روبرو هستند که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- مشکل هم‌آهنگ ساختن بین منافع دولت و پیمانکار؛
- ۲- عدم انعطاف‌پذیری در مقابل وقایع غیرمنتظره.

اما با وجود همه این کاستی‌ها، از پروژه‌های بیع متقابل استقبال شایانی صورت گرفته است و پروژه‌هایی نیز در این زمینه واگذار شده‌اند. گفتنی است که قراردادهای بیع متقابل را می‌توان به طریقی تنظیم نمود که بدون لحاظ شدن عامل حسن نیت و اعتماد هم، برای طرفین سودبخش باشد و موفقیت این گونه پروژه‌ها، به رابطه همکاری قوی و خوشنامی و اعتبار طرفین بستگی دارد. اما برای آنکه بتوان در ایران، یک رابطه کاری واقعی و مستحکمی را بنا نهاد، پیمانکار باید مطمئن باشد که می‌تواند با NIOC همکاری‌های بیشتری (در قالب اجرای پروژه‌های دیگر) داشته باشد. بدیهی است، عدم همکاری طرفین در فضایی شفاف و سازنده، منجر به از بین رفتن زمینه توسعه همکاری‌ها و اجرای پروژه‌های دیگر خواهد گردید که به هیچ نحو به نفع طرفین نخواهد بود. به نقل از: بوتن تحولات بازار نفت شماره ۲۳ مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

منبع:

Middle East Economic Survey
Vol XLIII No 17, 24 April 2000